

کتابِ دانیال — ایک سو چھیانوے نمبر

موازی‌های نبوی و نومیدی الهی: سفر مکاشفه‌ای قوم ایام آخر خدا در مکاشفه ۱۰

Jeff Pippenger

2024-04-27

در باب دهم مکاشفه، آنجا که تاریخ پیام‌های فرشته اول و دوم به تصویر کشیده شده است، به یوحنا، به‌عنوان نمادی از قوم خدا در ایام آخر، از پیش گفته شد که در تاریخی که او به‌طور نمادین نمایندگی می‌کرد، می‌بایست نومیدی‌ای رخ دهد؛ و آن نومیدی همان عصری از تاریخ فرشته اول و دوم بود که از فهم میلی‌ها مهر و موم شده بود، تا ایمان ایشان آزموده شود.

اور جو آواز میں نے آسمان سے سنی تھی وہ پھر مجھ سے ہم کلام ہوئی اور کہنے لگی، جا، اُس چھوٹی کتاب کو لے جو اُس فرشتے کے ہاتھ میں کھلی ہوئی ہے، جو سمندر پر اور زمین پر کھڑا ہے۔ پس میں اُس فرشتے کے پاس گیا اور اُس سے کہا، مجھے وہ چھوٹی کتاب دے دے۔ اُس نے مجھ سے کہا، اسے لے اور کھا جا! یہ تیرے پیٹ کو کڑوا کرے گی، مگر تیرے منہ میں شہد کی مانند میٹھی ہوگی۔ پس میں نے وہ چھوٹی کتاب فرشتے کے ہاتھ سے لے لی اور اسے کھا گیا! اور وہ میرے منہ میں شہد کی مانند میٹھی تھی، اور جونہی میں نے اسے کھایا، میرا پیٹ کڑوا ہو گیا۔ مکاشفہ 10:8-10۔

در آیه دهم، یوحنا تاریخ از ۱۱ اوت ۱۸۴۰، هنگامی که فرشته نیرومند با کتابچه‌ای در دست خود فرود آمد، تا «نامیدی بزرگ» در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را نمایندگی می‌کند. پیش از آنکه او به‌گونه‌ای نمادین آن تاریخ را نمایندگی کند، از سوی «آن صدایی که» او «از آسمان شنیده بود» به وی گفته می‌شود که هنگامی که کتابچه را بخورد، «شکم تو را تلخ خواهد ساخت، لیکن در دهانت چون عسل شیرین خواهد بود.» آن نامیدی تلخ همان چیزی بود که ایمان میلی‌ها را آزمود، و برای آنان بهتر نبود که پیش از فرارسیدن آن نامیدی، از آن آگاه شوند؛ اما یوحنا نمایانگر قوم ایام آخر است که لازم است حقایق مربوط به ترسیم وقایعی را که تاریخ پیام فرشته اول و دوم است، بدانند.

این تاریخ مقدس نشان می‌دهد که آزمونی بر قوم ایام آخر وارد خواهد شد، و این آزمونی خواهد بود مبتنی بر چیزی که برای آنان صلاح نبود پیش از وقوع آزمون آن را دریابند؛ با این همه، آن عین تجربه میلی‌ها نبود، هرچند به‌طور کامل با ترسیم رویدادهایی که به‌وسیله فرشته اول و دوم نشان داده شده است، انطباق داشت؛ زیرا هفت رعد نیز «وقایع آینده‌ای را نمایندگی می‌کنند که به‌ترتیب خود آشکار خواهند شد.»

هرچند از قوم خدا در ایام آخر خواسته شده بود که تاریخ بنیادی میلی‌ها را بدانند، ایشان همان ترسیم رویدادهایی را که میلی‌ها پیمودند به انجام می‌رسانند؛ اما آنچه میلی‌ها را آزمود، و برای ایشان بهتر بود که از پیش آن را ندانند، آزمونی دیگر می‌بود که به‌واسطه عصری پدید می‌آمد که تا زمانی که وقت آن فرا رسد که شیر سبط یهودا مکاشفه عیسی مسیح را مهرگشایی کند، مختوم مانده بود؛ امری که در تاریخ پنهان آیه چهل دانیال یازده رخ می‌دهد.

آنچه مهر و موم شده بود، برای آزمودن قوم خدا در روزهای آخر مقرر شده بود، و این آزمون با آن نشانه راهی منطبق می‌بود که میلی‌ها در آن آزموده شدند؛ زیرا چه در تحقق نخست در تاریخ میلی و چه در تحقق نهایی روزهای آخر، هفت رعد «ترسیمی از رویدادها» بود «که به ترتیب خود آشکار می‌شدند.»

آنچه به‌طور گسترده شناخته نشده است، این است که همان‌گونه که یوحنا تاریخ نزول مسیح را با کتاب کوچک از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا نومیدی عظیم ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نمایندگی می‌کند، همان تاریخ نیز به‌وسیله

نزول فرشته دوم در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ نمایانده شد. نومییدی نخست را می‌توان نومییدی یوحنا دانست، که پس از خوردن کتاب کوچک در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ با نومییدی روبه‌رو شد. هنگامی که آن نومییدی فرا رسید، فرشته دوم با «نوشته‌ای» در دست خود فرود آمد.

«فرشته‌ای نیرومند دیگر مأمور شد تا به زمین فرود آید. عیسی نوشته‌ای در دست او نهاد، و چون به زمین آمد، ندا درداد: "بابل سقوط کرد، سقوط کرد." سپس بار دیگر دیدم که نومیدشدگان چشمان خود را به سوی آسمان برمی‌افرازند و با ایمان و امید در انتظار ظهور خداوند خویش می‌نگرند. اما بسیاری چنان می‌نمودند که در حالتی کودن‌وار، گویی در خواب، باقی مانده‌اند؛ با این همه، من می‌توانستم نشان اندوهی عمیق را بر سیمای ایشان ببینم. نومیدشدگان از روی کتب مقدس دریافتند که در زمان تأخیر به سر می‌برند و باید با شکیبایی در انتظار تحقق رؤیا بمانند. همان شواهدی که آنان را برانگیخت تا در سال ۱۸۴۳ در انتظار خداوند خود باشند، ایشان را به این نیز رهنمون شد که در ۱۸۴۴ چشم‌به‌راه او باشند. با این حال، دیدم که اکثریت، آن نیرو و شور و نشاطی را که مشخصه ایمان ایشان در ۱۸۴۳ بود، در خود نداشتند. نومییدی آنان ایمانشان را فرونشانده بود.» Early Writings, 247.

تاریخچه میلیری که یوحنا در باب دهم نمایندگی می‌کند، تاریخ فرشته اول و نیز فرشته دوم است. فرود آمدن فرشته اول با پیامی، و فرود آمدن فرشته دوم با پیامی، آغاز تاریخ‌های مربوطه‌ای را رقم می‌زند که هر دو با نومییدی پایان یافتند؛ هرچند یوحنا به‌گونه‌ای مستقیم‌تر، تاریخ کامل هر دو فرشته را به تصویر می‌کشد. حتی پس از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، هنگامی که فرشته سوم با پیامی فرا رسید، نومییدی ناشی از شورش ۱۸۶۳، سومین شاهد را برای دوره‌ای فراهم می‌آورد که با پیامی آغاز می‌شود و با نومییدی پایان می‌پذیرد.

نخستین یأس جنبش فرشته سوم در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، همتای نخستین یأس میلیری‌ها بود. حقیقتی مهر و موم شده بود، همان‌گونه که حقیقت ۱۸۴۴ به سبب آن که خداوند دست خود را بر خطایی در برخی از ارقام نهاده بود، مهر و موم شده بود؛ خطایی که نخستین یأس میلیری‌ها را پدید آورد. هنگامی که آن خطا بعداً فهمیده شد، آن خطا از مهر و موم بیرون آمد، زیرا شیر سبط یهودا دست خود را برداشته بود. خطای ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ از امتناع از اذعان به این امر پدید آمد که دست او در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ برداشته شده بود، در حالی که او اعلام می‌کرد که «زمان دیگر نخواهد بود.»

چای به پهل فرشته کی پهل میاوسی کی فیلادلفیائی تحریک بو، یا تیسرے فرشته کی لاؤدیکه کی تحریک کی پهل میاوسی، اُس کا ہاتھ اُس رہنما نشان کی نمائندگی کرتا ہے۔ 19 اپریل 1844 کو اور 18 جولائی 2020 کو، اس میاوسی نے ایک تتر بتر ہونے کا وقت پیدا کیا۔ وہ لوگ جو یا تو 11 اگست 1840 کو یا 11 ستمبر 2001 کو جمع کیے گئے تھے، پراگندہ کر دیے گئے، اور اس کے بعد مسیح نے دوسری بار اپنے لوگوں کو جمع کرنا شروع کیا۔

او از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز به گرد آوردن قومی کرده بود؛ زیرا، چنان‌که در تعمید مسیح نمود یافته است، هنگامی که نماد الهی فرود می‌آید، او آغاز به جمع کردن شاگردان خود می‌کند، نه پیش از آن. سپس، پس از پراکندگی‌ای، مسیح بار دوم قوم خود را گرد می‌آورد. مسیح از هنگام تعمید خود آغاز به گرد آوردن شاگردانش کرد، و پس از پراکندگی‌ای که صلیب پدید آورد، او بار دیگر آغاز به گرد آوردن شاگردانش نمود. حقیقت نبوی یک گردآوری دوم که در ژوئیه ۲۰۲۳ آغاز شد، بخشی از آن چیزی بود که در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ مهر و موم شده بود، هرچند به وضوح عنصری از تاریخ میلیری‌ها بود.

در آیه چهل دانیال یازده، وحش برآمده از هاویه در سال ۲۰۲۰ هر دو شاخ وحش زمین را کشت. در ژوئیه ۲۰۲۳، خداوند آغاز کرد که قوم ایام آخر خود را برای بار دوم گرد آورد. فرایند گردآوری در درون تاریخ مقدس میلیری نمایانده شده است، و در آن تاریخ، دو شاهد تاریخی برای گرد آوردن قوم او برای

بار دوم وجود دارد. فرایند گردآوری عنصری نبوی است که تا ژوئیه ۲۰۲۳ مختوم مانده بود. عمل گرد آوردن قوم او برای بار دوم در خلال تاریخ جنگ اوکراین، اندکی پیش از دومین انتخاب هشتمین رئیس‌جمهور، که از آن هفت است، به انجام می‌رسد.

در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، خداوند جنبش میلری را گرد آورد، و این گردآوری را با معرفی نمودار ۱۸۴۳، که در مه ۱۸۴۲ منتشر شد، مشخص ساخت. این نمودار پیام بنیادی را نمایندگی می‌کرد، زیرا او در آن زمان بنیاد هیکل میلری را می‌نهاد. فرود آمدن فرشته مکاشفه فصل دهم، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، با تعمید مسیح موازات دارد؛ تعمیدی که، از جمله امور دیگر، آغاز برگزیدن شاگردانش به وسیله مسیح را مشخص ساخت.

«با فراخوانده شدن یوحنا و اندریاس و شمعون، و نیز فیلیپس و تئانائل، بنیان کلیسای مسیحی آغاز شد. یوحنا دو تن از شاگردان خود را به سوی مسیح هدایت کرد. سپس یکی از آنان، یعنی اندریاس، برادر خود را یافت و او را نزد نجات‌دهنده فراخواند. آنگاه فیلیپس نیز دعوت شد، و او در جست‌وجوی تئانائل برآمد.» آرزوی اعصار، ۱۴۱.

کار ویلیام میلر از زمان آخر در سال ۱۷۹۸ تا ۱۱ اوت ۱۸۴۰، نمایانگر کار یحیی تعمیددهنده بود؛ اما هنگامی که فرشته مکاشفه ۱۰ فرود آمد، چنان‌که با نزول روح‌القدس در تعمید مسیح نمونه‌وار نشان داده شده است، خداوند شاگردان بنیانی خود را «جمع» کرد. این دو شاهد مشخص می‌سازند که مسیح قوم ایام آخر خود را در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، هنگامی که فرشته مکاشفه باب هجده فرود آمد، گرد آورد؛ اما همانند میلری‌ها، آنان می‌بایست به وسیله عنصری از هفت رعد که مهر شده بود آزموده شوند، و سپس خداوند قوم خود را بار دیگر جمع می‌کرد.

د خدای د وروستیو ورځو د خلکو دویمه رات‌ولېدنه په هغه تاریخ کې پیل شوه چې د دانیال د یوولسم فصل د یوولسم آیت په بالکل پای کې ان‌خوړ شوی، د اوکراین پر وړاندې د پوتین له بریا لږ مخکې، او د دولسم آیت له پیل څخه هم لږ مخکې، چیرې چې د روسیې او پوتین نبوی شاهده پای ته رسېږي. نو ځکه د دانیال د یوولسم فصل یوولسم آیت د مکاشفې د یوولسم فصل له یوولسم آیت سره سمون خوري، ځکه همالته هغه دوه شاهدان بېرته ژوند ته راوستل کېږي.

در تاریخ مقدس میلری، خداوند پس از ناامیدی ۱۹ آوریل ۱۸۴۴، برای بار دوم آغاز به گرد آوردن قوم خود کرد؛ و آنچه خداوند در آن زمان برای گرد آوردن قوم خویش به کار برد، این بود که ایشان دریافتند در حال تحقق بخشیدن به زمان درنگ مثل ده باکره در متی باب بیست‌وپنجم، و نیز حقوق باب دوم هستند. برای آنکه میلری‌ها وضعیت خود را تشخیص دهند و بازگردند، لازم بود خود را در کلام نبوی خدا نمایانده ببینند. ایشان باید درمی‌یافتند که قوم خدا هستند، در تقابل با کسانی که فقط مدعی بودند قوم اویند. خداوند در گرد آوردن قوم ناامید خویش، نمونه‌ای از آن علمی را ارائه می‌کرد که برای امت‌ها برافراشته می‌شود، و بدین‌سان بر تمایز میان قوم حقیقی اما ناامید خود، و قومی که صرفاً ادعای تعلق به او را داشتند، تأکید می‌نهاد.

اور اُس دن یسّی کي ایک جڑ قائم ہوگی، جو قوموں کے لیے ایک نشان ہوگی؛ اُمّتی اُسی کی طالب ہوں گی، اور اُس کی آرام گاہ جلالی ہوگی۔ اور اُس دن ایسا ہوگا کہ خداوند دوسری بار پھر اپنا ہاتھ بڑھائے گا تاکہ اپنے لوگوں کے بقیہ کو، جو باقی رہ گیا ہوگا، اسور سے، مصر سے، فترس سے، کوش سے، عیلام سے، شنعار سے، حمات سے، اور سمندر کے جزیروں سے واپس حاصل کرے۔ اور وہ قوموں کے لیے ایک نشان بلند کرے گا، اور اسرائیل کے نکالے ہوئے لوگوں کو جمع کرے گا، اور یہوداہ کے پراگندہ لوگوں کو زمین کے چاروں کونوں سے اکٹھا کرے گا۔ یسعیاہ ۱۱:۱۰-۱۲۔

هنگامی که نبی، ارمیا، نماینده کسانی است که در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ مایوس شدند، تصریح می‌کند که دیگر با «مجمع تمسخرکنندگان» همنشینی نمی‌کرد؛ همان کسانی که پیشگویی ناکام سال ۱۸۴۳ را

بہ منزلۂ دلیلی بہ کار می بردند بر اینکه کسانی کہ ارمیا نمایندہ ایشان بود، انبیای کاذب اند۔

من در مجلس مسخرہ کنندگان ننشستم و شادی نمودم؛ بہ سبب دست تو تنها نشستم، زیرا مرا از خشم آکندہ ساختہ ای۔ ارمیا ۱۷:۱۵۔

«جماعتِ استہزا کرنے والوں» نے اُن لوگوں کو نکال باہر کیا تھا جن کی نمائندگی یرمیاہ کرتے تھے۔

«بسیاری بہ دست برادران بی ایمان خود آزار دیدند۔ برای آن کہ موقعیت خود را در کلیسا حفظ کنند، برخی رضایت دادند کہ دربارہ امید خویش سکوت پیشہ کنند؛ اما دیگران احساس می کردند کہ وفاداری بہ خدا آنان را از چنین پنهان ساختن حقایقی کہ او بہ امانت ایشان سپردہ بود، باز می دارد۔ اندک نبودند کسانی کہ صرفاً بہ این سبب کہ ایمان خود را بہ آمدن مسیح ابراز می داشتند، از مشارکتِ کلیسا محروم شدند۔ برای آنان کہ این آزمونِ ایمان خود را متحمل می شدند، سخنان نبی بسیار گرانہا بود: "برادران شما کہ از شما نفرت دارند و شما را بہ خاطر نام من بیرون می افکنند، گفتند: بگذارید خداوند جلال یابد؛ اما او برای شادی شما ظاہر خواہد شد، و ایشان خجل خواہند گردید۔" اشعیا 66:5۔ جلال عظیم، 372۔

خداوند آنگاہ علّٰمی برای امتہا برخواہد افراشت کہ دست خویش را برای بار دوم دراز کردہ باشد تا باقی ماندگان قوم خود را، کہ همان راندہ شدگان اسرائیل اند، گرد آورد۔ آنان کسانی اند کہ دیگر در «مجمع ریشخند کنندگان» نمی نشینند۔

«جڑیسی» دو خونی سلسلوں کی علامت ہے: ایک یہودیت سے، اور دوسرا یہودیت سے باہر کے ایک خونی سلسلے کے ساتھ ملا ہوا۔ یہ نہ صرف یسوع کے نسب کی نمائندگی کرتی ہے، بلکہ الوہیت کے انسانیت کے ساتھ امتزاج کی بھی علامت ہے؛ کیونکہ جو جھنڈا بلند کیا جاتا ہے وہ ایسے لوگوں کی نمائندگی کرتا ہے جو ہمیشہ کے لیے الوہیت کے انسانیت کے ساتھ امتزاج کی حالت اور تجربے میں مہر کیے گئے ہیں، اور اسی حقیقت کی نمائندگی دانی ایل کے باب گیارہ کی آیت دس میں «قلعہ» کی علامت سے بھی کی گئی ہے۔ آیت دس میں، ایک لاکھ چوالیس ہزار کے مہر کیے جانے کے وقت کی طرف «قلعہ» کی نبوی تفہیم کے ذریعے اشارہ کیا گیا ہے، جو سرے۔ آیت گیارہ کی تاریخ اور یوکرینی جنگ میں، خداوند اپنی دستِ قدرت دوسری بار بڑھاتا ہے تاکہ ان جلاوطنوں کو جمع کرے جو مایوس کیے گئے ہیں۔

لہٰذا، دانی ایل گیارہ کی گواہی کو بطور ساخت اختیار کرتے ہوئے، ہم نے اتوار کے قانون سے ذرا پہلے نبوتی تاریخ میں پائائیت کی مداخلت کی نشان دہی کی ہے۔ ہم ریپبلکن سینگ کے کام کو، جو ٹرمپ کے ذریعہ ظاہر کیا گیا ہے، دیکھ چکے ہیں، جب وہ ان سات میں سے ہو کر اٹھواں بنتا ہے اور کلیسیا اور ریاست کو یکجا کرنے کا کام شروع کرتا ہے۔ ہمارے سامنے پروٹسٹنٹ ازم کے مرتد سینگ کی لکیر ہے، جیسا کہ مکابیوں کے ذریعہ ظاہر کی گئی ہے۔ انہی آیات سے ممثل اسی تاریخ میں، ہم سات گرجوں کی لکیر کا اطلاق کرتے ہیں، جو دس کنواریوں کی تمثیل کی لکیر بھی ہے، اور ایک لاکھ چوالیس ہزار کے تجربہ کی نشان دہی کرتی ہے، نیز تین فرشتوں کی اس لکیر کی بھی، جو سچے پروٹسٹنٹ سینگ کے کام کی تحدید کرتی ہے۔ اس تاریخ میں سچے پروٹسٹنٹ سینگ کے لیے واقعات میں سے ایک دوسرا اجتماع ہے۔

دوسرا اجتماع دوسرے فرشتے کے پیغام کی تاریخ میں وقوع پذیر ہوا، اور یہ 1844 سے 1863 تک تیسرے فرشتے کی تاریخ میں بھی وقوع پذیر ہوا، یوں ملرائٹ تاریخ سے دو گواہ قائم ہوئے کہ خداوند نے اپنے پراگندہ گلہ کو جمع کرنے کے لیے دوسری بار اپنا ہاتھ بڑھایا۔

«23 سپتامبر، خداوند بہ من نشان داد کہ او بار دوم دست خود را دراز کردہ است تا باقیماندہ قوم خویش را باز آورد، و اینکه در این زمان گردآوری باید کوششہا دوچندان شود۔ در زمان پراکندگی، اسرائیل زدہ و دریدہ شد، اما اکنون در زمان گردآوری، خدا قوم خود را شفا خواہد داد

و زخم‌های ایشان را خواهد بست. در زمان پراکندگی، کوشش‌هایی که برای گسترش حقیقت به عمل می‌آمد، تأثیر اندکی داشت و بسیار کم یا هیچ به انجام نمی‌رسانید؛ اما در زمان گردآوری، هنگامی که خدا دست خود را برای جمع کردن قوم خویش نهاده است، کوشش‌ها برای گسترش حقیقت اثر مورد نظر خود را خواهند داشت. همه باید در کار متحد و غیور باشند. من دیدم که برای هر کس نادرست است که برای نمونه‌هایی جهت راهبری ما اکنون در زمان گردآوری، به زمان پراکندگی ارجاع دهد؛ زیرا اگر خدا اکنون برای ما بیش از آنچه آنگاه انجام داد، انجام ندهد، اسرائیل هرگز گرد آورده نخواهد شد. «Early Writings, 74»

در پیوست کتاب *نوشته‌های نخستین*، خواهر وایت توضیح یادداشت مذکور را که اندکی پیش نقل شد، ارائه می‌کند:

3. این دیدگاه که خداوند «دست خود را بار دوم دراز کرده بود تا باقیمانده قوم خود را باز آورد»، در صفحه 74، فقط به اتحاد و قوتی اشاره دارد که زمانی در میان کسانی که منتظر مسیح بودند وجود داشت، و نیز به این واقعیت که او آغاز کرده بود که بار دیگر قوم خود را متحد سازد و آنان را برافرازد. «Early Writings, 86»

تاریخ مقدس هفت رعد، که نمایانگر دوره 11 اوت 1840 تا 22 اکتبر 1844 بود، مثالی از تاریخ مقدس 22 اکتبر 1844 تا شورش 1863 به شمار می‌رفت. سطر بر سطر، تاریخ نخست تصویری از باکره‌گان خردمند را ارائه می‌کرد، و خط دوم تصویری از باکره‌گان نادان را به نمایش می‌گذاشت. هر دو تاریخ از زمانی آغاز شدند که فرشته‌ای با پیامی که می‌بایست خورده شود، نزول کرد. آمدن فرشته در هر دو تاریخ، فرآیندی از آزمون را آغاز کرد که به پراکندگی انجامید، و تا سال 1849، به خواهر وایت نشان داده می‌شد که خداوند بار دیگر دست خود را برای بار دوم دراز می‌کند، و این بار برای گرد آوردن کسانی که در 22 اکتبر 1844 پراکنده شده بودند.

آنان به سبب نومیدی عظیم پراکنده شده بودند، همان‌گونه که حکیمان در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ بر اثر نخستین نومیدی خود پراکنده شده بودند. گردآمدن دوم آشکار ساخت که خداوند «آغاز کرده بود که قوم خود را بار دیگر متحد سازد و ایشان را برافرازد.» در گردآمدن دوم، کار خداوند شامل برافراشتن علمی است که در پیام با یکدیگر متحد است و انسانیت آن با الوهیت او متحد می‌باشد. مقصود از آن علم این است که گله دیگر خدا را از بابل فراخواند؛ امری که به واسطه دیدن آن علم از سوی مردان و زنان تحقق می‌یابد.

درفش عبارت است از لشکر کسانی که در زمان آزمون قانون یکشنبه، انسانیت خویش را با الوهیت مسیح متحد ساخته‌اند. از این رو، گردآوری دوم «ریشه یسی» را مشخص می‌سازد که برافراشته خواهد شد، و حامل نمادپردازی دوگانه نیوی روت است؛ زنی امت‌زاده که به وسیله درفش گرد آورده می‌شود، از رهگذر پیوستن به بوعز، که نمادی از صد و چهل و چهار هزار است، و نیز نمادی از فدیة‌دهنده‌ای که بهای روت را پرداخت و ولی نزدیک او بود. در تجسد طبیعت الهی مسیح با جسم ساقط طبیعت بشری، او ولی نزدیک ما گردید. درفشی که برافراشته می‌شود همان کسانی هستند که به واسطه پیام متحد شده‌اند و پیش از قانون یکشنبه، کار پیوند دادن انسانیت خویش به الوهیت مسیح را به کمال می‌رسانند.

مور به دا مطالعه په راتلونکې مقاله کې دوام ورکړو.

قدردانی از کتاب مقدس با مطالعه آن افزون می‌گردد. دانشجو هر سو که روی آورد، حکمت و محبت بی‌نهایت خدا را آشکارا خواهد یافت.

اهمیت نظام یهودی هنوز به طور کامل درک نشده است. حقایق عظیم و عمیق در آیین‌ها و نمادهای آن به صورت سایه‌وار ترسیم شده‌اند. انجیل کلیدی است که اسرار آن را می‌گشاید. از طریق شناخت نقشه رستگاری، حقایق آن بر فهم گشوده می‌شوند. امتیاز ما آن است که این مضامین شگفت‌انگیز را بسیار بیش از آنچه اکنون می‌فهمیم، درک کنیم. ما باید به امور عمیق خدا پی ببریم. فرشتگان مشتاق‌اند در حقایق نظر افکنند که بر مردمی مکشوف می‌شود که با دل‌های توبه‌کار کلام خدا را می‌جویند و برای طول و عرض و عمق و ارتفاع بیشتری از آن معرفتی که تنها او می‌تواند عطا کند، دعا می‌کنند.

«با نزدیک شدن ما به پایان تاریخ این جهان، نبوت‌های مربوط به ایام آخر به‌ویژه مطالعه ما را می‌طلبند. آخرین کتاب نوشته‌های عهد جدید سرشار از حقایق است که ما نیاز داریم آن‌ها را درک کنیم. شیطان اذهان بسیاری را کور ساخته است، به‌گونه‌ای که آنان از هر بهانه‌ای برای آن‌که مکاشفه را موضوع مطالعه خود نسازند، خرسند بوده‌اند. اما مسیح از طریق خادم خود یوحنا، در اینجا آنچه را که در ایام آخر واقع خواهد شد اعلام کرده است، و می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که می‌خواند، و آنان که سخنان این نبوت را می‌شنوند، و آنچه را که در آن نوشته شده است نگاه می‌دارند.» مکاشفه ۱:۳»

«و این است حیات جاودانی»، مسیح فرمود، «که تو را، خدای واحد حقیقی، و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای، بشناسند.» یوحنا ۱۷:۳. چرا ارزش این معرفت را در نمی‌یابیم؟ چرا این حقایق پرچال در دل‌های ما فروزان نیست، بر لب‌های ما نمی‌لرزد، و سراسر هستی ما را فرا نمی‌گیرد؟

«با عطا کردن کلام خود به ما، خدا ما را وارث هر حقیقتی ساخته است که برای نجات ما ضروری است. هزاران تن از این چاه‌های حیات آب برگرفته‌اند، با این همه، از فراوانی آن هیچ کاسته نشده است. هزاران تن خداوند را پیش روی خود نهاده‌اند و با نگرستن، به همان صورت دگرگون شده‌اند. روح ایشان در درونشان مشتعل می‌شود آنگاه که از سیرت او سخن می‌گویند و باز می‌گویند که مسیح برای ایشان چیست و ایشان برای مسیح چه هستند. اما این جویندگان، این مضامین عظیم و مقدس را به پایان نرسانده‌اند. هزاران تن دیگر نیز می‌توانند در کار کاوش اسرار نجات وارد شوند. هرچه بر حیات مسیح و خصلت مأموریت او تأمل شود، پرتوهای نور در هر کوششی برای کشف حقیقت، آشکارتر خواهد درخشید. هر جست‌وجوی تازه، چیزی ژرف‌تر و دل‌انگیزتر از آنچه تاکنون مکشوف شده است، آشکار خواهد ساخت. این موضوع پایان‌ناپذیر است. مطالعه تجسد مسیح، قربانی کفاره‌آمیز او و کار شفاعت‌گرانه‌اش، ذهن شاگرد کوشا را تا زمانی که زمان باقی است به خود مشغول خواهد داشت؛ و او در حالی که به آسمان با سال‌های بی‌شمارش می‌نگرد، ندا خواهد داد: "راز دینداری عظیم است."»

«در ابدیت، آنچه را خواهیم آموخت که اگر روشنایی‌ای را که امکان داشت در اینجا به دست آوریم دریافت کرده بودیم، فهم ما را گشوده می‌ساخت. موضوعات رستگاری، در سراسر اعصار جاودان، دل‌ها و ذهن‌ها و زبان‌های رستگاران را به خود مشغول خواهد داشت. آنان حقایق را درک خواهند کرد که مسیح مشتاق بود بر شاگردان خود آشکار سازد، اما آنان ایمان لازم برای دریافت آن را نداشتند. تا ابدالآباد، پیوسته دیدگاه‌های تازه‌ای از کمال و جلال مسیح ظاهر خواهد شد. در طول اعصار بی‌پایان، آن صاحب‌خانه امین از خزانه خود چیزهای نو و کهنه را بیرون خواهد آورد.» درس‌های تمثیلی مسیح، ۱۳۲-۱۳۴.